



توسعه پایدار، شهر پایدار

دکتر مهین نسترن^۱، دکتر علی زنگی آبادی^۲، خلیفه خلقی پور^۳

شدت به آن توجه شده و می‌شود و در واقع توجه به توسعه، پویا و دائمی که رفاه و آسایش عمومی را در درازمدت برای انسان‌ها به ارمغان بیاورد به عنوان محور اصلی در تمامی برنامه است.

شهرها به عنوان سکونت‌گاه‌های اصلی و رو به رشد انسان‌ها پایداری خود را در گرو تحقق شاخص‌های توسعه پایدار می‌دانند.

واژه‌های کلیدی:

توسعه، توسعه پایدار، شهر پایدار، بوم شهر، محیط زیست.

۱- مقدمه:

انسان امروزی در لحظه حساسی از تاریخ قرار گرفته، چرا که نابرابری و فاصله زیاد کشورهای غنی و فقیر رو به سوی جاودانگی نهاده است و از این

چکیده:

با آغاز تحولات علمی و صنعتی در آغاز قرن بیستم و شروع رنسانس، بحث توسعه و پیشرفت به عنوان یکی از مهمترین اهداف و مشخصه اصلی این حرکت عظیم مورد توجه قرار گرفت. توسعه در مفهوم کلی به معنای پیشرفت و تکامل و برون رفت از حالت قبلی و رسیدن به شرایط مطلوب است که موجبات رفاه و آسایش هرچه بیشتر انسان را فراهم آورد. گفته می‌شود.

در مراحل تکاملی توسعه پایدار، دیری نپائید که توجهی به همه جنبه‌های نیاز در جوامع در مسیر توسعه یافتگی مشکلاتی را برای جوامع انسانی به ارمغان آورد که از مهمترین آنها می‌توان به آلودگی‌های مختلف زیست محیطی، اشاره نمود.

توسعه پایدار، مبحثی است که در سال‌های اخیر به

۱- استادیار شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان

۲- استادیار برنامه‌ریزی شهری دانشگاه هنر اصفهان

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

۲- مفهوم توسعه

توسعه در عرف به فرآیندی گفته می‌شود که طی آن جوامع از شرایط اولیه و عقب‌ماندگی، با عبور از مراحل تکاملی و کم و بیش یکسان و دگرگونی‌های کمی و کیفی به جوامع توسعه یافته تبدیل شوند و همانگونه که ولفگانگ زاکس گفته توسعه روندی تصور شده است که طی آن «مردم از توسعه نیافتگی به سوی سرنوشت جهانی و محتوم رفاه اقتصادی رهنمون می‌شوند».

توسعه در مفهوم کلی به معنی بهبودی شرایط زندگی، تأمین نیازها و زمینه‌سازی برای نیل به آرمان‌ها، به کهنسالی تمدن بشری است اما، مطالعه توسعه در مفهوم خاص به عبارت دیگر، مطالعه منظم مسائل و جریان‌ات به ویژه در عرصه اقتصادی، تاریخچه‌ای بسیار کوتاه‌تر دارد.

۳- توسعه پایدار چیست؟

دهخدا پایداری را به معنای بادوام و ماندنی آورده است. معنای کنونی واژه پایداری که در این بحث نیز مدنظر می‌باشد عبارت است از «آنچه که می‌تواند در آینده تداوم یابد». مفهوم پایداری در توسعه، یعنی «مداومت و استمرار بخشیدن به تجدید و تولید منابع و چیزهای مصرف‌شده برای نسل‌های فعلی و آتی، بدون وارد آوردن خسارت به محیط زیست». همچنین از نظر جابلد، توسعه پایدار، توسعه‌ای است که بتواند در دوره زمانی طولانی، بدون این‌که خسارتی به محیط زیست وارد کند، تداوم یابد.

اولین اجلاس جهانی محیط زیست در سال ۱۹۷۲ در استکهلم با عنوان «انسان و محیط» برگزار گردید.

رهگذر چه بسیار چرخه‌های زیستی که علی‌رغم اتکای حیات ما به آنها، به اجبار راه زوال را انتخاب کرده‌اند. ارتقای سطح زندگی و همچنین برآوردن نیازهای اساسی انسان‌ها، مستلزم اهتمام همزمان به دو مسئله توسعه و محیط زیست جهت حفاظت و اداره بهینه چرخه‌های زیستی جهانیان برای آینده‌ای بی‌دغدغه، بدون خطر و با سعادت می‌باشد. این معنا، بدون تشریک مساعی و اهتمام جهانی تمام کشورها، در راستای توسعه پایدار و محلی نمودن دستورالعمل‌های جهانی آن محقق نخواهد شد. توسعه پایدار، فرآیند پیشرفتی است که بدون کاهش توانایی نسل‌های آینده در برآوردن احتیاجاتشان، نیازهای نسل کنونی را تأمین می‌نماید. به دیگر سخن، زیستن در حد ظرفیت محیط زیست و فراهم آوردن فرصت زندگی برای همه و برای همیشه بر روی کره‌ی زمین هدف اصلی توسعه پایدار می‌باشد.

توسعه به معنی تحولات رو به رشد اقتصادی و اجتماعی است. هدف توسعه پایدار ممانعت از فراگرد توسعه یا حتی کند ساختن روند آن نیست، بلکه به معنی توسعه‌ای پویا، هدفمند و آینده‌نگرانه است با تأکید بر این‌که ما برای ادامه حیات و نیز پیشبرد اهداف توسعه به محیط زیست نیاز داریم. راهبرد اصلی توسعه پایدار این است که رشد اقتصادی را با عدالت اجتماعی و حفاظت محیط زیست همراه گردانند. بدیهی است که بشر برای تأمین نیازهای خود ناگزیر به استفاده از منابع طبیعی است، اما با روش‌هایی چون افزایش بهره‌وری منابع و استفاده از انرژی‌های نو یا پاک می‌توان برداشت منابع طبیعی را به حداقل ممکن برسانند.

راهنماها و توصیه‌های این اجلاس برای شناخت بیشتر محیط، کنترل آلودگی‌ها، آموزش و پژوهش، برای فراهم نمودن محیطی مناسب برای زندگی انسان‌ها بود. پس از آن در اواخر سال ۱۹۸۳ میلادی کمیسیونی جهانی به ریاست خانم برانت لند از نروژ جهت بررسی مسائل زیست - محیطی و توسعه جهانی تشکیل شد، این کمیسیون گزارش نهایی خود را در سال ۱۹۸۷ تحت عنوان «آینده مشترک ما» منتشر کرد و از آن پس واژه توسعه پایدار که بحث محوری این گزارش را تشکیل می‌داد، مقبولیت و رواج گسترده‌ای یافت. براساس این گزارش، توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای کنونی جهان را تأمین کند، بدون آن‌که توانایی نسل‌های آتی را در برآوردن نیازهای خود به مخاطره افکند و این که توسعه پایدار «رابطه متقابل انسان‌ها و طبیعت در سراسر جهان است.»

در همان موقع «کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه» تعریف دیگری از توسعه پایدار ارائه کرد بدین مفهوم که:

«توسعه پایدار فرآیند تغییری در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری توسعه تکنولوژی و تغییری نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد.»

پس از کنفرانس ۱۹۸۳، چند سال بعد دومین اجلاس در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو (برزیل) با عنوان «محیط زیست و توسعه» برگزار گردید. در این اجلاس (اجلاس زمین) توجه داده شد که بقای توسعه، منوط به همه جانبه‌نگری در برنامه‌ریزی‌های توسعه خواهد بود. در این کنفرانس تعریف جدیدی از توسعه پایدار ارائه شد، بدین مضمون که

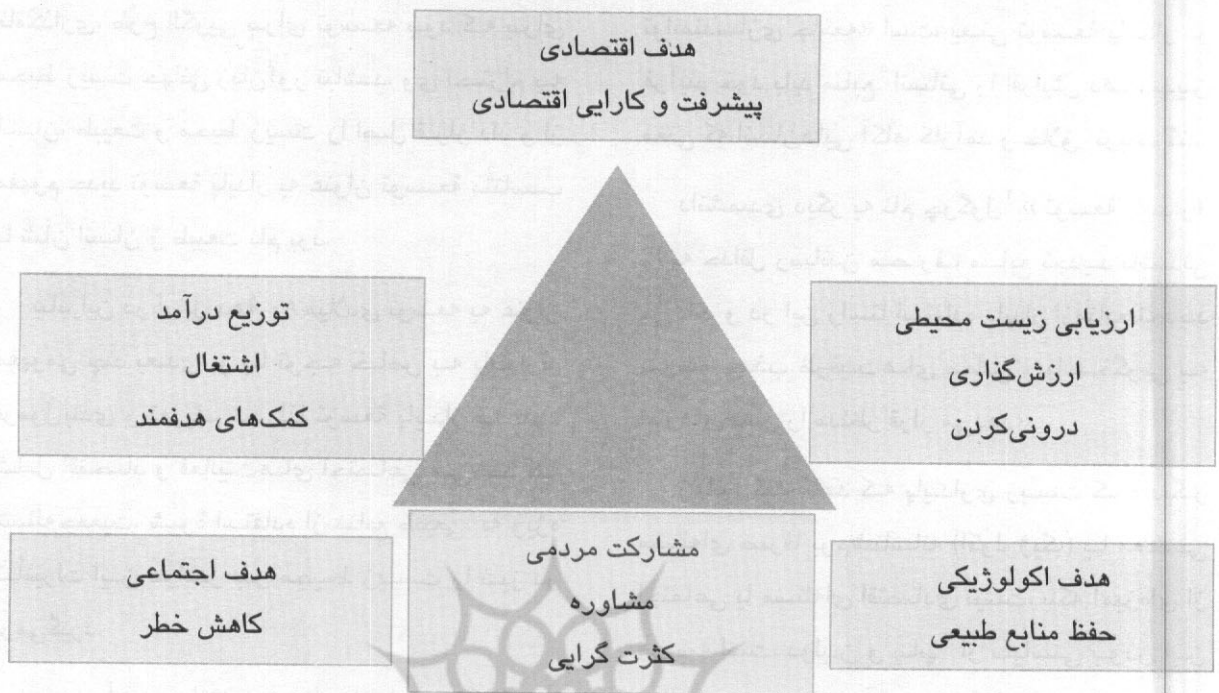
توسعه پایدار، توسعه‌ای است که پاسخ‌گوی نیازهای فعلی باشد، بدون آن‌که توان نسل‌های آینده را در تأمین نیازهای خود تحت تأثیر قرار دهد. در همان زمان بانک جهانی^۱ تعریفی کلی‌تر و ابهام برانگیزتر ارائه کرد که، توسعه پایدار، توسعه‌ای است که دوام یابد. از نظر بانک جهانی با وجود فقر نمی‌توان محیط طبیعی سالم و پایداری داشت و همچنین نبودن عدالت اجتماعی تداوم توسعه را دچار مشکل می‌نماید. در نیمه‌های دهه ۹۰ میلادی اندیشه توسعه پایدار بدین ترتیب بیان گردید که رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی به گونه‌ای صورت پذیرد که سرمایه‌های زیست محیطی و نیازهای توسعه را برای نسل‌های بعد دچار نقصان و اختلال نسازد و در اواخر دهه مشخص شد که برای شناسایی بهتر توسعه پایدار لازم است مباحث اقتصادی، سیاسی و زیست - محیطی به طور همزمان مورد توجه قرار گیرد.

کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل^۲ (CSD) در سال ۲۰۰۲ میلادی در شهر ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی تشکیل جلسه داد، در این جلسه عنوان اجلاس به «توسعه پایدار» تغییر یافت که عملاً توسعه، بدون جامع‌نگری، ناپایدار خواهد بود. در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ میلادی کمیسیون توسعه پایدار در مقر سازمان ملل تشکیل جلسه داد با هدف اجرایی کردن توافقات ژوهانسبورگ با عنوان «سال بررسی^۳» که به ارزیابی پیشرفت و تحقق دستور کار ۲۱ و توافقات نشست ژوهانسبورگ در سه بخش اسکان بشر، بهداشت و آب پرداخته شد.

۴- تفهیم بنیادی توسعه پایدار

به طور کلی، مفهوم توسعه پایدار که در دهه ۱۹۸۰ میلادی مطرح شد، افزون بر ریشه‌های زیست

شکل ۱ - داد و ستد متقابل بین اهداف اصلی سه‌گانه در توسعه پایدار



موضوع اختصاص یافته بود که تخریب و سیر قهقرایی منابع زیست - محیطی، مانع اصلی توسعه است. به این ترتیب مفهوم توسعه پایدار ظاهر شد تا سه دیدگاه اصلی را مطابق نمودار بالا در برگیرد: اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی.

نگرش توسعه پایدار بر این اندیشه است که تکنولوژی نمی‌تواند هر گونه کاهش منابع طبیعی را جبران سازد و سرمایه طبیعی، مکمل سرمایه انسان ساخت است و در این راستا، سازمان ملل، از مبانی و دیدگاه مفهومی توسعه پایدار حمایت می‌کند و راه دستیابی به توسعه پایدار را وجود بسترهای فرهنگی مناسب می‌داند که با آموزش و آگاهی دادن به مردم می‌توان به آن دست یافت.

۵- دیدگاه‌های نظری مرتبط با توسعه پایدار:

نخستین بار در اواخر دهه ۷۰ میلادی، فردی به نام موريس استرانگ^۱ توسعه پایدار را

محیطی آن، بر پایه تجارب ده‌ها سال تلاش بی‌وقفه در زمینه توسعه نیز شکل گرفته بود. در خلال دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی، پیشرفت اقتصادی، بر رشد و افزایش آن تأکید داشت که بیشتر براساس مفاهیم کارایی اقتصادی استوار بود. تا اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی توده وسیع و فزاینده فقرا در کشورهای رو به رشد و عدم کفایت منافی که قطره قطره در اختیارشان قرار می‌گرفت باعث شد تا تلاش‌های گسترده‌تری برای بهبود توزیع درآمد به عمل آید. بدین ترتیب الگوی توسعه، به سوی «توسعه‌برابر» گرایش یافت و اهداف توزیع اجتماعی، به گونه‌ای متمایز اما با همان اهمیت کارایی اقتصادی، مورد توجه قرار گرفت. این تعامل به خوبی در شکل زیر نمایان می‌باشد.

در حال حاضر، حفاظت از محیط زیست به عنوان سومین هدف بنیادی توسعه، مورد توجه قرار دارد. تا اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، بخش اعظم شواهد به این

نکته غایی این تعریف «افزایش منابع انسانی و توانمندسازی جامعه» است، یعنی توسعه پایدار در فرآیند خود باید منابع انسانی را افزایش دهد، بدین معنی که انسان‌هایی آگاه، کارآمد و خلاق تربیت کند.

دانشمندی دیگر به نام چوگول^۲ «توسعه پایدار» را به حداقل رساندن مصرف منابع تجدید ناشدنی می‌داند و در این راستا استفاده پایدار از منابع تجدید شونده، جذب ظرفیت‌های محلی و پاسخگویی به نیازهای بشر را مدنظر قرار می‌دهد.

زمانی گفته شد که پایداری زیست کره دیگر مسئله‌ای صرفاً بوم‌شناسانه (اکولوژیک) یا معضلی اجتماعی یا مسئله‌ای اقتصادی نیست، بلکه آمیزه‌ای از هر سه است. دولین و یاپ^۳ از سیاسی بودن این مفهوم سخن به میان آوردند و گفتند که توسعه، بدون فرهنگ راه به جایی نخواهد برد.

فرهنگ

در سال ۱۹۹۰، دبلیو.ام. آدامز^۴ در کتاب محیط زیست و پایداری در جهان سوم به درستی متذکر شد که مفهوم توسعه پایدار نمی‌تواند در یک خلاء تاریخی به خوبی درک شود. برای شناخت چالش‌ها و ظرایف و ظرفیت‌های آن پیشاپیش لازم است دگرگونی‌هایی که در اندیشه و عمل پیرامون سر فصل توسعه به وقوع پیوسته است و نیز تجاربی که به شکل‌گیری این مفهوم جدید منجر شد مورد توجه قرار گیرند. به این ترتیب، برای درک زوایا و قابلیت‌های بالقوه و بالفعل نهفته در مفهوم توسعه پایدار لاجرم باید جریان مستمر نقدها، مسیر پیموده شده، شکست‌ها و موفقیت‌ها و همچنین بیم‌ها و امیدهای بشری در کنار هم مورد ارزیابی قرار گیرند. بهداشت و فقر از ابعاد مهم رشد اقتصادی است و

«توسعه بوم‌شناسانه» نامید. مهمترین نیت در این نامگذاری، طرح الگویی برای توسعه بود که برای محیط زیست جهانی زیان‌آور نباشد. وی احترام به انسان، طبیعت و محیط زیست را اصل قرار داد و از مفهوم جدید توسعه پایدار به عنوان توسعه متناسب با شأن انسان و طبیعت نام برد.

بنابراین در اوایل دهه ۸۰ میلادی توسعه به عنوان مفهومی چند بعدی، و با توجه خاص به پایداری فرمول‌بندی و تعریف شد. لذا توسعه پایدار نه تنها شامل اقتصاد و فعالیت‌های اجتماعی می‌شد که مسئله جمعیت، شیوه استفاده از منابع طبیعی، به ویژه تأثیرات این عوامل بر محیط زیست را نیز در برمی‌گیرد.

پس از آن دو دانشمند به نام‌های لمن و کاکس^۱، عقیده داشتند که توسعه پایدار فرآیند اصلاح و بهبود اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که مبتنی بر فناوری و همراه با عدالت اجتماعی باشد، به طریقی که اکوسیستم را آلوده و منابع طبیعی را تخریب نکند. نکته بارز این نظریه این است که «توسعه پایدار» را یک فرآیند دیده است، فرآیندی پویا، پایدار و چند بعدی که بر فناوری و توأم با عدالت است. بنابراین توسعه پایدار یک اتفاق یا رویداد نیست که یکباره اتفاق بیافتند، بلکه یک فرآیند پویا و هدفمند است که در طول زمان و با برنامه‌ریزی تحقق می‌یابد و هدف آن ارتقاء سطح حیات انسان است و نیاز به هوشمندی، تجربه، شناخت و خلاقیت دارد.

نکته مهم این نظریه، توجه به «عدالت اجتماعی» است، یعنی توسعه پایدار باید در روند خود، همواره عدالت اجتماعی را مد نظر قرار دهد و نابرابری‌های اجتماعی را از نظر فرهنگی و اقتصادی از مسیر خود بزداید.

این نظریه به مثابه دیدگاهی راهبردی، به نقش دولت در این برنامه‌ریزی‌ها اهمیت بسیاری می‌دهد و معتقد است دولت‌ها باید از محیط زیست شهری، حمایت همه جانبه‌ای کنند. این نظریه، پایداری شکل‌شهر، الگوی پایدار سکونتگاه‌ها، الگوی مؤثر حمل‌ونقل در زمینه مصرف سوخت و نیز شهر را در سلسله مراتب ناحیه شهری بررسی می‌کند، زیرا ایجاد شهر را فقط برای لذت شهرنشینان می‌داند.

پایداری شهری مفهومی است که در پی طرح «توسعه پایدار» به عنوان الگوواره جدیدی در جهان مطرح گردید. ریشه‌های نگرش «توسعه پایدار» به نارضایتی از نتایج توسعه و رشد اجتماعی - اقتصادی در شهرها از منظر بوم‌شناسی (اکولوژی) بر می‌گردد. از اوایل دهه ۷۰ میلادی، جنبش‌های گسترده‌ای با حساسیت‌های زیست - محیطی، بر ضد توسعه متداول شهرها (به ویژه نواحی کلانشهری) در کشورهای «شمال»، به راه افتاد. در همین سال‌ها، نگرانی به پایان رسیدن برخی از منابع عمده و اصلی در رشد صنعتی (همچون انرژی‌های فسیلی و مس)، به نگرانی‌های پیش گفته از آلودگی‌های آب و هوای شهرها افزوده شد و به تدریج درکی از محدودیت‌های رشد در زیست کره^۲ پدید آمد. تا آنکه از اوایل دهه ۱۹۹۰ و به طور مشخص در کنفرانس ریوف ضرورت بازنگری روال توسعه جهانی با نگرش توسعه پایدار پذیرفته شد، توسعه‌ای که نیازهای کنونی را بدون کاهش توانایی نسل‌های آتی و برطرف کردن نیازشان، برآورده می‌کند.

این الگوواره تازه با عنوان «توسعه پایدار» به مقابله با الگوهای تولید، توزیع و مصرف ناسازگاری با طبیعتی می‌پردازد که به اتمام منابع و تخریب محیط زیست می‌انجامد و تنها فرآیند توسعه‌ای را

در مسائل مربوط به توسعه پایدار نیز اهمیت اساسی دارد. رابرت فوگل^۱ برنده جایزه نوبل ۱۹۹۳ در اقتصاد، با تلفیق تکنیک‌های کمی (مقداری) و تئوری اقتصادی، روش‌های جدید برای درک رابطه رشد اقتصادی و تحولات اقتصادی ارائه داده است. نتایج مطالعات فوگل که در ۱۹۹۴ ارائه شده است به رابطه بین بهداشت، فقر، وزن متوسط افراد جامعه و خط‌مشی‌های مربوط به توسعه پایدار می‌پردازد. فوگل دریافته است که در مراحل اولیه توسعه بخش عظیمی از فقرا از نظر مراحل رشد دچار نقصان می‌شوند (این افراد دچار کم وزنی بوده و انرژی کمی دارند) و در برابر بیماری‌ها بسیار آسیب‌پذیرند. این مشکل ناشی از سوء تغذیه است که نهایتاً باعث می‌شود تولید کاهش یابد و به تبع آن بهره‌وری و درآمد نیز کاهش یابد. وی معتقد است که در کشورهای در حال توسعه، مشکلاتی از قبیل عقب ماندگی رشد، فقر غذایی و مالی از عمده‌ترین عوامل بازآرنده توسعه پایدار می‌باشند.

همزمان با وی آنالد و راولیون^۳ در تکمیل تحقیقات خود درباره فقر (۱۹۹۲) بر این نکته تأکید می‌کنند که رشد اقتصادی به خودی خود نمی‌تواند باعث بهبود کیفیت زندگی و ارتقاء شرایط نظریه توسعه پایدار شهری، موضوعات جلوگیری از آلودگی‌های محیط شهری و ناحیه‌ای، کاهش ظرفیت‌های تولید محیط محلی، ناحیه‌ای و ملی، حمایت از بازیافت‌ها، عدم حمایت از توسعه‌های زیان‌آور و از بین بردن شکاف میان فقر و غنی را مطرح می‌کند. همچنین راه رسیدن به این اهداف را با برنامه‌ریزی‌های شهری، روستائی، ناحیه‌ای و ملی که برابر با قانون، کنترل کاربری‌ها و کنترل بیشتر در شهر و روستاست می‌داند.

۸- توسعه پایدار در دوران جدید

اخیراً در محافل علمی این اعتقاد پیدا شد که برای بسط نظریه توسعه، باید از تحلیل تمام عناصر تأثیرگذار تعیین سهم هر یک از این عوامل شروع کنیم و این نگرشی بود که براساس آن چارچوب‌های عینی و ذهنی دوران جدید به‌خصوص توسعه پایدار قوام گرفت. توسعه پایدار در سال‌های پایانی قرن بیستم به عنوان یکی از مناظرات محوری جهان تقریباً همه عرصه‌های حیات بشری نظیر فقر، نابرابری، آموزش و بهداشت، محیط زیست، حقوق زنان و کودکان و نیز صنعت، سیاست، اقتصاد و همکاری‌های بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده، به عنوان گستره‌ای نوین با داعیه پاسخ‌گویی به مسائل خطیری که چرخه حیات و طبیعت و نوع بشر را به مخاطره افکنده است در عصر جدید مطرح شده است.

این گستره پویا، به دلیل تنوع بسیار عرصه‌ها، پس از موفقیت «اجلاس زمین» و مصوبات آن، به ویژه «دستور کار ۲۱، Agenda 21» پیوسته در شاخه‌های گوناگون بسط و تعمیق پیدا کرد. این گستره از هم اکنون به عنوان اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین مناظره قرن بیست و یکم در بسیاری از پژوهش‌های جهانی مورد تأکید قرار گرفته است و همان گونه که ولفگانگ زاکس گفته است از این پس، «توسعه، بدون پایداری و پایداری بدون توسعه وجود نخواهد داشت» و این بیانگر پیوند نوینی است و توسعه از طریق این پیوند، شادابی و سرزندگی دوباره یافته است.

۹- اهداف کلی توسعه پایدار

توسعه، زمانی پایدار است که «با چشم‌اندازی انسان محور»، به صورتی «فراگیر» علایق و آرمان‌های همه جوامع و کشورهای جهان را در برگیرد و با بسترسازی برای توزیع عادلانه منابع و

تأیید می‌کند که به بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها در حد ظرفیت پذیرش^۱ نظام‌های پشتیبان حیات منجر شود. الگوواره تازه قداست رشد را شکست و به عدالت بین نسل‌ها، وابستگی بی‌چون وچرا به طبیعت، کیفیت توسعه بر کمیت رشد، کل‌گرایی و توانمندسازی اجتماعات به همراه ارزش‌های معنوی و انسانی، تأکید ویژه‌ای کرد.

۷- مؤلفه‌های توسعه پایدار

مؤلفه‌های توسعه پایدار:

۱- انسان (کودکان و زنان)

۲- محیط زیست

۳- فرهنگ

۴- آموزش

۵- علم

۶- اخلاق

۷- امنیت

۸- مشارکت

ارکان اصلی توسعه پایدار:

۱- دولت‌ها

۲- سازمان‌های بین‌المللی

۳- سازمان‌های غیر دولتی

۴- مردم

شعار توسعه پایدار:

اندیشه جهانی - اقدام محلی - همیاری منطقه‌ای

ناکافی بودن سیستم‌های انرژی، کاهش اشتغال، مهاجرت از صنعت به خدمات و عدم توازن در ترکیب اجتماعی - دموگرافیکی تشخیص داد. در این راستا شورای بین‌المللی ابتکارات زیست - محیطی محلی^۲ (ICELI)، تعریفی از توسعه پایدار با توجه به اهداف دولت محلی ارائه کرد به این مفهوم که: توسعه پایدار توسعه‌ای است که خدمات اولیه محیطی، اجتماعی و اقتصادی را بدون تهدید محیط زیست، سیستم‌های ساختمانی و اجتماعی که این خدمات به آنها وابسته‌اند، ارائه می‌دهد.

در این زمان مفهوم «بوم‌شهر»^۳ مطرح گردید که

متکی بر ارتباط طبیعی توسعه شهر یا بستر طبیعی آن بود، به این معنی که توسعه، رشد و تحول شهر، ضرورتاً به حیات طبیعی آن وابسته است. در ecopo-lis نیز مفهوم eco، خانگی یا بومی، همان مفهوم شکل‌گیری شهر بر ملاحظات بومی آن است. یعنی می‌توان با همان کیفیت و خردمندی که در نگهداری فضای خصوصی خانه صورت می‌گیرد، تمام محیط شهر را مراقبت کرد.

گرفرایدگرت^۴ در خصوص تاریخچه و نقطه آغازین مبحث توسعه پایدار در کشور آلمان در مقاله خود با عنوان «تعریف اهداف و اندازه‌گیری موفقیت‌های توسعه پایدار شهری» آورده که: در سال ۱۹۹۷ یک حرکت جدی در شهر ماینز (Mainz) برای اجرای اصول دستور کار ۲۱ آغاز شد. گروه‌هایی که در امور زیست - محیطی و در مسائل شهری، اجتماعی و فرهنگی مشغول بودند، دستور کار ۲۱ را سرلوحه امور خود قرار دادند، در نتیجه این برنامه

ثروت‌ها، بهبود شرایط زندگی همه مردم، بقای طبیعت و اعتلای منزلت انسان را برنامه‌ریزی کند. این فرآیند، مستلزم درکی مشترک از سوی ملت‌های جهان و تعهدی آگاهانه و به دور از تنگ‌نظری خواهد بود. غلامرضا اکرمی در مقاله خود در کارگاه تخصصی تدوین منشور بم پس از زلزله ویرانگر بم، اهداف توسعه پایدار را در سه عنوان کلی زیر آورد:

۱- اصلاح و بهبود وضعیت

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جهت برقراری عدالت اجتماعی؛

۲- افزایش منابع انسانی و توانمندسازی جوامع در ارتقاء سطح زندگی انسان‌ها؛

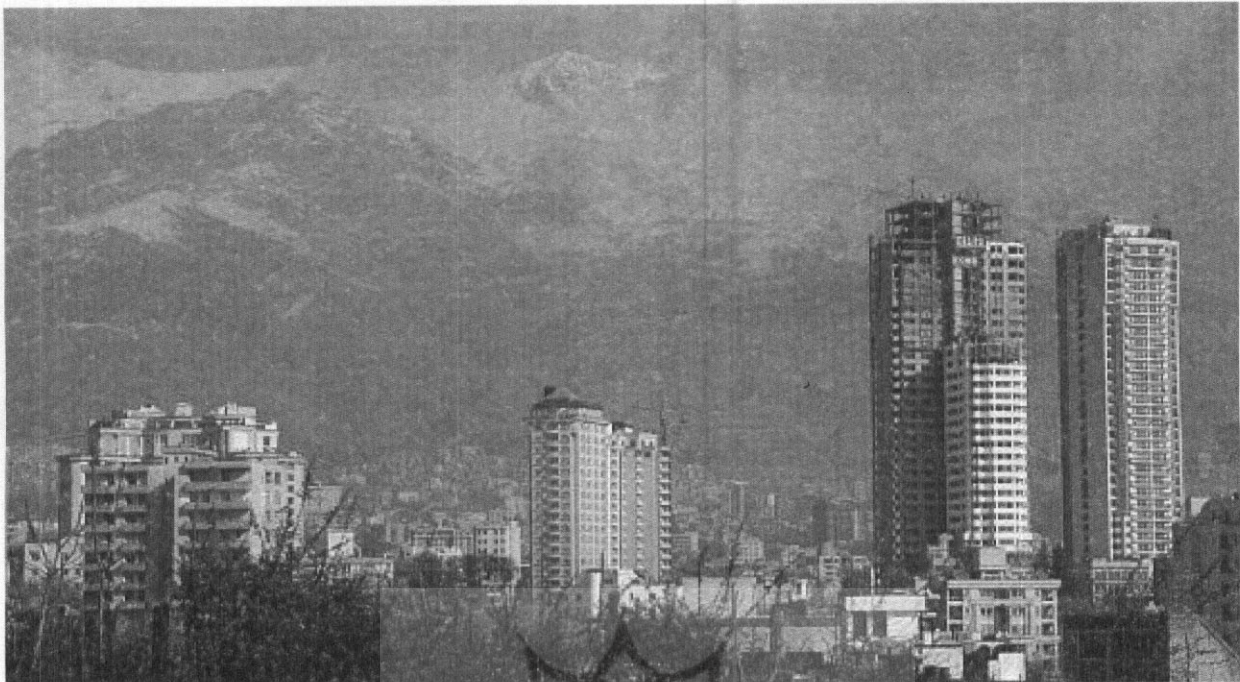
۳- تمهیدات زیست محیطی در جهت احیا و توسعه سامانه‌های فکری سکونتگاهی پایدار.

۱- توسعه پایدار، شهر پایدار

توسعه پایدار، با تخلیه مستمر منابع همراه است، اما تنها منابع طبیعی نیستند که در معرض خطر می‌باشند بلکه ویژگی‌های کیفی دیگر نظیر چشم‌انداز، میراث گذشته، آسایش و قابلیت نواحی شهری برای فراهم کردن ایمنی، سلامت و زندگی لذت‌بخش نیز در معرض نابودی‌اند. هدف توسعه پایدار باید حفظ خصوصیات کلی و کیفیت محیط باشد همچنین لازم است موضوعات اجتماعی و اقتصادی در کنار مقوله‌های محیطی مورد توجه قرار گیرند چرا که شرایط ناپایدار اجتماعی می‌تواند نهایتاً به ناپایداری محیطی منجر شود.

پرل و نای کمپ^۱ معتقدند که شهر ناپایدار را می‌توان از طریق کاهش جمعیت، تنزل کیفیت محیط،

در حقیقت شهر پایدار بستری برای رسیدن به اهداف پایدار است.



۱۱- خلاصه و نتیجه گیری

پس از بررسی و مطالعه در خصوص مقوله توسعه پایدار و شهرهای پایدار بدین نتیجه رسیدیم که یک شهر پایدار باید چارچوب ارزشی و اخلاقی متفاوتی از شهرهای کنونی را در خود متبلور سازد. چنین شهرهایی باید توجه خود را از کمیت‌های مادی معطوف به کمیت‌های معنوی نمایند و این امر نتیجه به یک زندگی مرفه‌تر و پرمعنی‌تر و لذت‌بخش‌تر خواهد شد. بنابراین «شهرهای پایدار» شهرهایی هستند که تنوع در آنان وجود داشته و مورد حمایت قرار می‌گیرند و تفکیک و جدایی فضای بارزی در گروه‌های درآمدی وجود نداشته باشد. کلیه افراد و گروه‌ها به خدمات و تسهیلات اساسی دسترسی داشته، ساکنین دارای فرصت‌ها و موقعیت‌های برابر باشند.

شورای شهر ماینز در سال ۱۹۹۸ تصمیم گرفت که مفهوم توسعه پایدار را اصل برنامه کاری خود قرار دهد و مقرر گردید که فرآیند برنامه‌ریزی در شهرداری ماینز از سیستم از «پایین به بالا» تبعیت نماید و این فرآیند به طور مستمر از طرف شورا حمایت و پشتیبانی گردد. در این پروسه مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست - محیطی در زمینه‌هایی از جمله خانه‌سازی، مصرف منابع و استفاده از انرژی‌های فسیلی و ... در خصوص نیل به توسعه پایدار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و اهداف خاصی به صورت شاخص‌های کمی مطرح گردیدند. در این مقاله گبرت عنوان نمود که فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های شورای شهر باید اصول توسعه پایدار شهری را مدنظر قرار دهند و در جهت پیشبرد استراتژی دستور کار ۲۱ حرکت نمایند^۱.

هدف توسعه پایدار باید مفاصل خصوصیات کلی و کیفیت محیط باشد.

منابع:

- ۱- اسلامی، غلامرضا؛ ۱۳۸۱: مواجهه با مشکلات و توسعه درونزا، نشریه صفا، شماره ۳۴، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۲- اکرمی، غلامرضا؛ ۱۳۸۳: طراحی و بازسازی روستاهای بم با نگاه توسعه پایدار، مجموعه مقالات کارگاه تخصصی تدوین منشور توسعه پایدار بم، وزارت مسکن و شهرسازی، نشر انشاء، تهران.
- ۳- ارجمندنی، اصغر؛ ۱۳۷۹: بوم شهر، تبلور پایداری شهری، فصلنامه تحلیلی، پژوهشی، آموزشی مدیریت شهری، سال اول، سازمان شهرداری‌های کشور، وزارت کشور، تهران.
- ۴- صالحی، اسماعیل؛ ۱۳۸۳: کمیسیون توسعه پایدار، فصلنامه تحلیلی، پژوهشی، آموزشی شهرداری‌ها، سازمان شهرداری‌های کشور، وزارت کشور، تهران.
- ۵- صراف، مظفر؛ ۱۳۷۹: شهر پایدار چیست؟، فصلنامه تحلیلی، پژوهشی، آموزشی مدیریت شهری، سال اول سازمان شهرداری‌های کشور، وزارت کشور، تهران.
- ۶- عزیزی، محمد مهدی؛ ۱۳۸۰: توسعه شهری پایدار، نشریه صفا، شماره ۳۳، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۷- نصیری، حسین؛ ۱۳۷۹: توسعه پایدار، چشم‌انداز جهان‌سوم، انتشارات فرهنگ و اندیشه، تهران.
- ۸- سدیریک، پاک؛ ۱۳۸۳: شهرهای پایدار در کشورهای در حال توسعه، ترجمه ناصر محرم‌نژاد، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- ۹- مولدان، بدریچ و بیلهارز، سوزان؛ ۱۳۸۱: شاخص‌های توسعه پایدار، ترجمه نشاط حداد تهرانی و ناصر محرم‌نژاد، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، تهران.
- ۱۰- هاشم زاده همایونی، مهرداد؛ ۱۳۷۸: مقدمه‌ای بر توسعه پایدار شهری، مجموعه مقالات زمین و توسعه شهری، دانشگاه تهران.
- ۱۱- ویلیامز، کیت و بارتون، الیزابت؛ ترجمه فریده باروقی، ۱۳۷۹: شهر متراکم و پایداری شهری، فصلنامه تحلیلی، پژوهشی، آموزشی مدیریت شهری، سال اول سازمان شهرداری‌های کشور، وزارت کشور، تهران.

لذا مفهوم شهر پایدار مفهومی بسیار ارزشمند و نویدبخش است. در حقیقت شهر پایدار بستری برای رسیدن به اهداف پایدار است. پایداری و شهر پایدار یک چالشین موجه و معقول برای شهرسازی مخرب قرن بیستم است. برای رسیدن به هدف شهر پایدار راه‌های متعددی وجود دارد؛ در وهله اول باید به این نکته توجه کرد که پایداری کامل و واقعی هرگز قابل وصول نیست با این حال، این امر نباید هرگز انسان را از تلاش برای حرکت به سوی پایداری بازدارد. شهری که حتی یک قدم در جهت پایداری بردارد باید مورد تشویق و حمایت قرار گیرد.

در نهایت باید به این نکته بسیار حائز اهمیت اشاره نمود که انسان و تکنولوژی روز به روز در حال پیشرفت می‌باشند اما آنچه همواره ثابت است، شرایط محیطی می‌باشد پس انسان در هر مقطع تاریخی با نگاهی به تجربه سودمند پیشینیان و توجه به تکنولوژی زمان خود، بایستی بتواند شرایطی را فراهم آورد که همگان با محیط طبیعی پیرامون، فضای زیست خود را بنا کنند تا در حفظ محیط زیست و منابع طبیعی (انرژی فسیلی) گام بردارند و از منابع تجدیدپذیر انرژی همچون باد، جذر و مد و نورخورشید حداکثر استفاده را داشته باشند. در نهایت باید متذکر شد که آنچه محیط شهرهای ما را تهدید می‌کند قبل از آن‌که ناشی از عدم شناخت محیطی ما باشد، حاصل فرهنگ و به کارگیری شناخت‌های ما از محیط است و این اصل بخش عمده‌ای از ناپایداری‌ها را در توسعه باعث شده است. در این میان رسالت جغرافیا بیش از سایر رشته‌ها در چنین شناختی آشکار می‌شود و توجه به آن در دستیابی به توسعه پایدار محرز می‌گردد، همچنین توجه به تمامی مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست - محیطی در نیل به شهرهای پایدار بسیار با اهمیت است.